



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Jurisprudential Investigation of Rules Governing Transgenders' Blood Money

Abdolreza Farhadian*¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 81-89

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000- 0001-8930-2037

TELL: +989132856375

Email: a.farhadian@iaukashan.ac.ir

Article history:

Received: 07 May 2021

Revised: 09 Jun 2021

Accepted: 15 Jun 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Blood Money,

Transgender,

Gender Change,

Time of Demand,

Time of Incident.

ABSTRACT

Transgenderism is one of the important issues that has always been the subject of debate from the point of view of jurisprudence and law. In this paper, an attempt is made to address this important question that what are the rules governing the blood money of transgenders from a jurisprudential point of view? The present paper is descriptive and analytical, and the mentioned question is investigated using the library method. According to the findings, transgenderism is a type of gender disorder in which the affected person is psychologically dissatisfied with their gender identity and tries to change gender. From a jurisprudential point of view, if a transgender person is recognized as a woman, the blood money of a woman is considered for her according to jurisprudential rules, but these people generally change their gender and become their desired gender identity, in this case, their blood money is subject to the changed gender. The criterion for calculating the blood money of a person who has changed gender is the time of claiming the blood money and not the time of the injury, therefore, the blood money of these people is calculated and demanded based on the new gender, even if the gender change is performed under the supervision of a specialist doctor and in compliance with medical standards between the time of the accident and the time of the claim, the blood money of the person will be still calculated with the new gender.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Farhadian, A (2021). "Jurisprudential Investigation of Rules Governing Transgenders' Blood Money" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(2): 81-89.



انجمن علمی فقه‌جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

دوره اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

بررسی فقهی دیه تراجنسیتی‌ها

عبد الرضا فرهادیان*^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

چکیده

تراجنسیتی یکی از موضوعات مهمی است که علاوه بر پزشکی از منظر فقهی و حقوقی نیز همواره محل بحث و نظر بوده است. در این مقاله تلاش شده به این پرسش مهم پرداخته شود که از منظر فقهی، چه موازینی بر دیه تراجنسیتی‌ها حاکم است؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای سؤال مورد اشاره، بررسی شده است. بر اساس یافته‌ها، تراجنسیتی نوعی اختلال جنسیتی است که فرد مبتلا از نظر روانی از هویت جنسی خود ناراضی است و اقدام به تغییر جنسیت می‌کند. از دیدگاه فقهی، دیه افراد تراجنسیتی قبل از جراحی و تغییر جنسیت تابع جنسیت پیشین است. بدین معنی چنانچه فرد ترنس به‌عنوان یک زن شناخته شود، مطابق موازین فقهی، دیه یک زن شامل وی می‌شود اما این افراد عموماً تغییر جنسیت داده و به هویت جنسی مطلوب خویش تبدیل می‌شوند در این صورت دیه وی تابع جنسیت تغییر یافته است. ملاک محاسبه دیه شخصی که تغییر جنسیت داده، زمان مطالبه دیه است و نه زمان جراحی، بنابراین دیه این افراد بر اساس جنسیت جدید محاسبه و مطالبه می‌شود. حتی اگر تغییر جنسیت تحت نظر پزشک متخصص و با رعایت استانداردهای پزشکی بین فاصله زمانی وقوع حادثه و زمان مطالبه دیه صورت بگیرد، بازهم دیه فرد با جنسیت جدید محاسبه می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۱-۸۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۲۰۳۷-۸۹۳۰-۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۳۲۸۵۶۳۷۵

ایمیل: a.farhadian@iaukashan.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

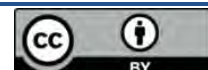
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

دیه، تراجنسیتی، تغییر جنسیت، زمان

مطالبه، زمان وقوع جرم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

ترنس‌ها یا تراجنسیتی‌ها یکی از اشکال اختلال در هویت جنسی است که علاوه بر مسائل پزشکی از منظر فقهی و حقوقی نیز دارای ابعاد مهمی است. در قوانین وضعی، از لحاظ حقوق و مسؤولیت‌ها، افراد در دو صنف زن و مرد مورد توجه قرار می‌گیرند و تقریباً کلیه مقررات بر اساس تفاوت‌های دو جنسیت تنظیم و شکل گرفته‌اند. با این وجود، در قوانین حقوقی و جزایی اسلامی، علاوه بر جنسیت مذکر و مؤنث یا زن و مرد، نسبت به جنسیت سوم تحت عنوان «خنثی» هم تفاوت‌هایی دیده می‌شود و در لابه‌لای مباحث مختلف فقهی، چه در عبادات و چه در معاملات، احکام فرد خنثی نیز بیان شده است. به‌طور مثال در باب ارث، سهم فرد خنثی، از ارث، مجموع نصف سهم مذکر و مؤنث از همان طبقه تعیین می‌شود. از این‌رو، در بعضی از احکام که تعیین جنسیت فرد با مشکل مواجه می‌شود، معمولاً فقها احکام یکی از اصناف مذکر یا مؤنث را بر او جاری می‌نمایند و فرد خنثی را به یکی از دو جنسیت مرد یا زن ملحق می‌کنند.

در رابطه با حضور فرد خنثی در قسامه، فقهای اسلامی در صلاحیت یا عدم صلاحیت حضور خنثی در قسامه اختلاف نموده‌اند: گروهی حضور او را جایز و مانعی در قبول سوگند او نمی‌دانند. اما گروه دیگر قسم خنثی را مانند شهادت زنان در قتل در اثبات قتل معتبر نمی‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۱۴: ۲۶/۱۰). برخی از فقها حکم خنثی را گاهی به مؤنث و گاهی به مذکر ملحق می‌کنند (مروراید، ۱۴۱۰: ۲۸۴/۱). بنابراین در قوانین حقوقی و جزایی اسلامی، افراد در سه صنف: مذکر، مؤنث و خنثی لحاظ می‌شوند و بر اساس این تقسیم‌بندی مسؤولیت‌ها و استحقاقات شخص شکل می‌گیرد. از ظاهر بیان فقها چنین برمی‌آید که این تقسیم‌بندی به‌طور عمدی بر تفاوت‌های جنسی و بیولوژیکی پایه‌گذاری شده است؛ زیرا چنانکه در فقه مرسوم است برای تعیین جنسیت افراد مشکل، به روش‌هایی متوسل می‌شوند که عمدتاً بر تعیین نوع اعضای تناسلی زنانه یا مردانه مبتنی می‌باشد (فضل الله، ۱۴۲۱: ۷۰۵/۳).

در مقاله حاضر تلاش شده به این مهم پرداخته شود که موازین حاکم بر دیه تراجنسیتی‌ها چیست؟ آنچه این موضوع را از اهمیت ویژه برخوردار ساخته است، پیشرفت تکنولوژی و توسعه دانش جراحی و امکان تغییر جنسیت است. در خصوص تراجنسیتی‌ها تألیفات متعددی انجام شده است: محسن صفری و سید مهرداد امیر شاه کرمی در مقاله‌ای از بررسی حقوق اجتماعی افراد تراجنسیتی، از نگاه اسناد بین‌المللی، نظام حقوقی کامن‌لا و حقوق داخلی ایران بحث کرده‌اند (صفری و امیر شاه کرمی، ۱۳۹۵). محمدمهدی کریمی‌نیا نیز در مقاله‌ای، مستندات قرآنی حکم تغییر جنسیت و آثار فقهی آن را مورد بررسی قرار داده است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۶). همچنین در مقاله‌ای دیگر به بررسی تأثیر تغییر جنسیت در جرایم مربوط به خانواده در ایران پرداخته شده است (افقه و بشیریه، ۱۳۹۹). اما بحث دیه افراد تراجنسیتی مورد توجه قرار نگرفته و نوآوری مقاله حاضر در همین مسأله نهفته است. این موضوع وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که توجه شود بحث دیه در فقه و حقوق ایران تابعی از رویکرد جنسیت افراد است. بر اساس آنچه گفته شد سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که از منظر فقهی موازین حاکم بر دیه تراجنسیتی‌ها چگونه است؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که «دیه تراجنسیتی‌ها در زمان قبل از عمل تابع جنسیت موجود آن‌ها و بعد از عمل تابع جنسیت تغییر یافته است و زمان حادثه شرط و مبنای مطالبه دیه است». به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به بررسی تراجنسیتی‌ها، تغییر جنسیت و دیه در قالب بحث نظری پرداخته شده و در ادامه از دیه تراجنسیتی‌ها بحث شده است.

۱- مفاهیم نظری

۱-۱- تراجنسیتی (ترانس سکسوالیسم)

ترنس یا تراجنسی که گاه معادل آن «ناراضیان جنسی» است به افرادی گفته می‌شود که هویت جنسی خود را قبول نداشته و رفتارهایشان مانند رفتارهای جنس مخالف است. در مواردی

۱۶۸). برای تشخیص‌گذاری این اختلال باید شواهدی از پریشانی یا اختلال عمده بالینی در کارکرد اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌های مهم وجود داشته باشد. در پسر آن اتخاذ هویت جنس مخالف به‌صورت اشتغال ذهنی محسوس با فعالیت‌های سنتی زنانه ظاهر می‌شود.

۱-۲- تغییر جنسیت

تغییر به معنای آن است که چیزی را به چیز دیگر تبدیل نماییم. «غیر الشی: جعله غیر ما کان و حوله و بدله بغیره» یعنی: قرار دادن چیزی را غیر از آن چیزی که بوده و آن را تحویل و تبدیل به غیر شیء بنماییم (غوری الشرتونی، ۱۳۷۵: ۳۱۲/۲). تغییر داد او را یعنی: آن را متحول و مبدل نمود. مثل آنکه آن را غیر از آنچه که بود قرار داد (ابن منظور، ۱۴۱۰: ۴۰/۵). جنسیت آن حقیقت وارد و داخل شده در ذات و ماهیت یک جنس را گویند. در جامعه انسانی مرد بودن یا زن بودن، جنس افرادی است که دارای یک مجموعه از اعضاء (داخلی و خارجی) و خصوصیات و اوصاف می‌باشد و تعلق فردی و منسوب شدن شخصی از جامعه انسانی به آن جنس را جنسیت آن فرد گویند. پس جنسیت به معنای تعلق داشتن به یک جنس است. در نتیجه چنانچه فردی دارای اعضاء و خصوصیات و علایم مردانگی باشد، می‌گویند: دارای جنسیت مردانه است و اگر اعضاء و خصوصیات و علایم زنانه داشته باشد، می‌گویند دارای جنسیت زنانه است. تبدل خواه به کسی اطلاق شده است که «با دارو و یا عمل جراحی، جنسیت خود را عوض می‌کند». تراجنس، تراژاد، تراجنسی، تراژادی و تراجنس‌گرایی (آریان پورکاشانی، ۱۳۷۸: ۱۵۳۳) از همین خانواده می‌باشند. با لحاظ این موارد باید در نظر داشت که هویت اجتماعی و نقشی که جامعه به یک فرد می‌دهد و فرد هویت جنسی خود را در آن قالب ملاحظه و آگاهی می‌یابد اثر مهمی در شکل‌گیری هویت جنسی در فرد دارد. همان‌طور که یکی از محققان علوم اجتماعی بیان می‌دارد: دانشمندان در بررسی ملاک‌های مؤثر و عمده در تشخیص و بررسی عوامل شکل‌دهنده شخصیت فرد مناقشه و اختلاف دارند که آیا

واژه تراجنسیتی‌ها به «دگر جنسیت‌جوها» (کاهانی، ۱۳۸۶: ۵۶) ترجمه شده است. برخی پزشکان معادل «روان دگرجنسی» را پیشنهاد می‌کنند (میر جلالی، ۱۳۸۰: ۱۹). نقطه کانونی بحث تراجنسیتی‌ها اختلال در هویت جنسی است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۶). «هویت جنسی بیشتر حاصل حوادث پس از تولد است تا سازمان‌دهی پیش از تولد؛ آگاهی فرد از مرد بودن یا زن بودن خود را هویت جنسی می‌نامند» (سادوک و سادوک، ۱۳۸۶: ۳۹۵). هویت جنسی به احساس شخص در مورد مذکر یا مؤنث بودن خود اطلاق می‌شود. شخص و فردی که از نظر هویت جنسی سالم است می‌تواند با اطمینان بگوید که مرد است یا زن. اختلال هویت جنسی زمانی وجود دارد که فرد (زن یا مرد) در احساس خود از هویت جنسی خویش، دچار سردرگمی و ابهام می‌باشد و چنین ویژگی به پریشانی وی یا بروز اختلال عمده در کارکردهای اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌های مهم زندگی او منجر شود. از سوی دیگر در این اختلال شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد فرد به‌طور پایدار برای خود هویتی را اتخاذ کرده که مخالف با جنسیت بیولوژیکی او است. چنین فردی اصرار دارد که از نظر جنسیتی متعلق به جنس مخالف است و همیشه از جنسیت تعیین‌شده ابراز نارضایتی می‌کند. البته اتخاذ هویت جنسی مخالف نباید صرفاً به دلیل تمایل به برخورداری از امتیازهای فرهنگی متعلق به جنس دیگر باشد. علاوه بر این باید شواهدی در مورد نارضایتی مستمر از جنسیت تعیین‌شده خود یا احساس عدم تناسب با نقش تعیین‌شده وجود داشته باشد (دژکام، ۱۳۸۴: ۱۶۸؛ نیک‌خو، ۱۳۸۷: ۷۶-۹۹). برای مثال، دختری که به دلیل محبت‌های بی‌شمار اعضای خانواده به برادرش و وجود یک جو تبعیض‌آمیز در خانواده‌اش به نفع پسران، آرزو می‌کند که او هم یک پسر بود، نباید دچار اختلال هویت جنسی قلمداد شود. اختلال هویت جنسی دو مؤلفه دارد که هردوی آن‌ها برای تشخیص‌گذاری این اختلال لازم هستند. باید شواهدی مبنی بر اتخاذ پایدار و مستمر هویت جنسی مخالف که مایل به داشتن آن است یا اصرار به اینکه از جنس مخالف است وجود داشته باشد (دژکام، ۱۳۸۴:

بر آن‌ها نص صریح بوده، حرام می‌باشند لیکن چون در مورد حرمت تغییر جنسیت همانند موارد فوق تصریحی صورت نگرفته است، لذا بنابر اصل حلیت، چنین عملی به‌ظاهر مشروع است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۲۱۹؛ خرازی، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

دلیل دیگری که می‌توان برای مشروعیت مطلق تغییر جنسیت به آن استناد کرد، قاعده‌ی «الناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم» می‌باشد. برحسب این قاعده، همان‌گونه که مردم حق سلطه و مالکیت بر اموالشان را دارند، به طریق اولی بر بدن خویش نیز مالکیت داشته و هرگونه تصرف حلالی را که بخواهند می‌توانند انجام دهند. بنابراین با استناد به این قاعده یکی از تصرفات مجاز در بدن، تغییر جنسیت است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۲۱۹؛ خرازی، ۱۳۷۹: ۱۰۴).

قائلین به جواز بر این عقیده‌اند که اگر بنا باشد این عمل تغییر در خلقت الهی محسوب گردد، لازم می‌آید که همه کارهای روزمره ما حرام باشد، چرا که کارهای روزمره ما با تغییرات بسیاری همراه است، مثلاً برای روشن کردن آتش، هیزم لازم است و با آتش گرفتن، هیزم کم‌کم تبدیل به زغال و سپس خاکستر می‌گردد، یا اینکه برای تهیه نان، ابتدا گندم را آرد کرده و سپس آن را خمیر کرده و سرانجام نان از آن پخته می‌شود. همه این موارد، صورت‌های گوناگونی از تغییرات اساسی در زندگی روزمره ما است، لذا اگر قرار باشد همه این تغییرات، که در واقع تغییر در خلقت خداوند است حرام باشد، پس همه کارهای ما در طول روز ارتکاب حرام قلمداد خواهد شد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۲۱۷). به‌علاوه، تغییر جنسیت، انسانیت انسان را مخدوش و تبدیل نمی‌کند، بلکه تنها صفات و عناوین فرد است که دچار تحول می‌گردد و در پی آن تکالیف و وظایف جدیدی بر انسان واجب می‌گردد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۲۱۷). این گروه بیان کرده‌اند که زن یا مرد بودن از عوارض بدن انسان است و از ذاتیات و لوازم ذات وی نمی‌باشد که غیرمنفک و غیرقابل تغییر باشد و سپس به آیه «لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم»

ویژگی‌های فیزیولوژیک و جسمی فرد در شکل‌گیری شخصیت او مؤثر و مهم‌تر است یا خصوصیات و ویژگی‌هایی که فرد در تعامل با جامعه با آن خصوصیات شناخته می‌شود و به عبارتی نقش جنسیتی که جامعه به فردی دهد و شخص در آن قالب خود را می‌شناسد و باور می‌کند.

۲- تغییر جنسیت تراجنسیتی‌ها

در بین کسانی که اختلال جنسیتی دارند، تراجنسیتی‌ها بیشتر به تغییر جنسیت مایل هستند. آنها چون از هویت جنسی خود ناراضی هستند تلاش می‌کنند از طریق تغییر جنسیت به هویت جنسی مطلوب خود برسند. برای تعیین دیه افراد لازم است هویت جنسی افراد مشخص باشد. منظور از هویت جنسی «بیان زنانگی یا مردانگی افراد» است و به عبارت دقیق‌تر هویت جنسی بر اساس زیست‌شناسی افراد بنا می‌شود، از تجربیات اجتماعی متأثر است و برای اینکه ثابت و دوام پیدا کند، به گذشت زمان نیاز دارد. (اوحدی، ۱۳۸۵: ۴۶) در همین حال اختلال هویت جنسی زمانی است که فرد (زن یا مرد) در احساس خود از هویت جنسی خویش، دچار سردرگمی و ابهام باشد و چنین ویژگی به پریشانی وی یا بروز اختلال عمده در کارکردهای اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌های مهم زندگی او منجر شود. شخص مبتلا به اختلال هویت جنسی را در اصطلاح خنثای روانی یا ترانس سکشوال یا تراجنسیتی گویند (نیک‌خو، ۱۳۸۷: ۱۳-۹۶).

حضرت امام (ره) در کتاب تحریر الوسیله در اولین مبحث از موضوع تغییر جنسیت فرمودند: «ظاهر آن است که تغییر جنس مرد به زن به سبب عمل و برعکس آن حرام نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۶۲۶). اولین دلیلی که قائلین به جواز تغییر جنسیت به آن استناد کرده‌اند، اصل حلیت «کل شیء هو لک حلال حتی تعلم أنه حرام بعینه» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۸۹) می‌باشد. مطابق این اصل، هر چیزی حلال است مگر اینکه با دلیل ثابت شود که آن حرام است. با توجه به این اصل استدلال کرده‌اند که چون اعمالی مانند هم‌جنس‌بازی، لواط و شرب خمر و... صریحاً در قرآن کریم مردود دانسته شده‌اند و

است». قانون مجازات اسلامی به‌نوعی به دیه خنثی مشکله اشاره دارد.

۳-۱- اثر تغییر جنسیت تراجنسیتی‌ها در دیه

سؤالی که در این فرع مطرح است اگر جانی قبل از اجرای مجازات، تغییر جنسیت دهد چه تأثیری در پرداخت دیه دارد؟ تغییر جنسیت جانی، تأثیری در میزان پرداخت دیه ندارد. اما اگر مجنی‌علیه یا مجنی‌علیها، تغییر جنسیت دهد مسأله متفاوت می‌نماید. به‌عنوان مثال، اگر در حق زنی جنایت غیرعمدی صورت گیرد و پرداخت دیه و اجرای حکم به حدی به درازا بکشد که زن تغییر جنسیت دهد، پرداخت دیه به چه صورت خواهد بود؟ در این مسأله نیز، دو فرض متصور است:

۱- پرداخت دیه بر اساس جنسیت فعلی، که در این فرض، اگر جنایت وارد شده ثلث یا بیش از ثلث باشد، براساس دیه مرد، دیه شخص تغییر جنسیتی (مرد فعلی) پرداخت می‌شود.

۲- جنسیت زمان وقوع جرم که در این فرض، بر اساس جنسیت قبلی، دیه پرداخت می‌شود. در فرض بالا شک ایجاد شده که آیا جانی یا همان متهم باید بر اساس جنسیت فعلی مجنی‌علیه، دیه پرداخت کند یا جنسیت سابق او؟ آنچه مسلم است در قانون جزا، همیشه قانون جزا به نفع متهم تفسیر می‌شود و «باید موارد مشکوک را به نفع متهم تفسیر نمود. شک در تحقق جرم و بالنتیجه توجه کیفر به متهم و نیز شک در اقل و اکثر کیفر، باید به نفع متهم تمام شود. در همین مضمون متداول شده است «شک به نفع متهم تفسیر می‌شود و نیز قانون جزا به نفع متهم، تفسیر می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۷۷۸). بنابراین در این فرع که شک ما در اقل و اکثر بودن مقدار دیه می‌باشد، به نفع متهم که ناظر بر وجه اقل می‌باشد، اصدار حکم مرجح است.

در صورتی که فرد ترنس در فرایند تغییر جنسیت به هویت جنسی زن تبدیل شود، دیه وی نصف دیه مرد خواهد بود. گفته شده است که فقها بر نصف بودن دیه قتل زن نسبت به مرد اجماع دارند و ادعا شده که در مورد این امر بین فقهای

(تین/۴) تمسک می‌کنند که انسان از عالی‌ترین سرشت خلق شده که همان نفس ناطقه است و این نفس مجرد است و انوئیت و ذکوریت از عوارض حیوانیت انسان محسوب می‌گردد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۲۱۷). بر این اساس، تمامی افراد بزرگسالی که از آشفتگی جنسی رنج می‌برند، می‌توانند تغییر جنسیت دائمی را داشته باشند و به جنسیت دلخواهشان برسند. جراحی تغییر جنسیت امکان تغییر در ظاهر فیزیکی و دیگر مشخصات جنسی را فراهم خواهد کرد.

۳- دیه تراجنسیتی‌ها

در فقه نه به افراد تراجنسیتی که به افراد خنثی (دوجنسه) اشاره شده است. «دیه خنثی مشکله سهربع (سه‌چهارم) دیه مرد است و برخی فقها بر این باورند چون احتمال دارد خنثی زن باشد یا مرد و چون کشف حقیقت جنسیت او ممکن نیست باید به هر دو احتمال عمل کرد (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲۲۸/۲۹). ولی به نظر برخی دیگر از فقها، دیه خنثی مشکله برابر دیه زن است. چون این مقدار متعین است و اطمینان داریم که خنثی مشکله حداقل برابر زن هست و چون در مرد بودن وی شک داریم، لذا نمی‌شود به استناد شک و احتمال فتوی داد که باید دیه او را برابر دیه زن پرداخت (نجفی، ۱۳۷۴: ۳۳/۴۲). خنثی به کسی اطلاق می‌شود که جنسیت زن و یا مرد بودن او مشخص نیست که اگر حالت زنانه غلبه داشته باشد حکم زن و اگر مردانه غلبه داشته باشد، حکم مرد را دارد که با جلب نظر کارشناس این امر محرز می‌شود که دیه قتل آن حسب مورد احکام مرد و زن جاری می‌شود، اما اگر نه زن بودن مشخص است و نه مرد بودن بلکه حالتی است که احتمال یکی از آن دو می‌رود، به این فرد خنثی مشکله اطلاق می‌شود که باید نصف دیه زن و نصف دیه مرد یعنی سه‌چهارم دیه مرد پرداخت شود. ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «دیه خنثای ملحق به مرد، دیه مرد و دیه خنثای ملحق به زن، دیه زن و دیه خنثای مشکل، نصف دیه مرد به‌علاوه نصف دیه زن

جدید ملحق شد، شرایط جنس جدید برای او لازم الاجراست و چنانچه فرد ترنس به زن تغییر جنسیت داده باشد در ردیف عاقله محسوب نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

افراد ترنس یا تراجنسیتی از نظر بیولوژیکی و کروموزومی زن یا مرد بوده اما هویت جنسی خود را عکس آن بیولوژیک می‌دانند. به همین دلیل عموماً اقدام تغییر جنسیت می‌کنند. دیه فرد ترنس قبل از تغییر جنسیت مطابق وضعیت بیولوژیک موجود وی می‌باشد اما بعد از تغییر جنسیت، قواعد جنس جدید بر وی حاکم است. این از این جهت است که برخی قواعد مانند دیه متناسب با جنسیت افراد متفاوت است. در واقع اگر کسی اقدام به تغییر جنسیت خود، طبق موازین معتبر پزشکی و تأیید متخصصین کند، بعضی از حقوق او تحت تأثیر تغییر جنسیت قرار می‌گیرد که باید بین حقوق ناشی از قرارداد و سایر حقوق تفاوت گذاشت. در رابطه با دیه فرد تغییر جنسیت داده نیز می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اگر فردی که تغییر جنسیت داده و اقدام به این کار کرده است، عنوان مرد بودن او به زن یا عنوان زن بودن او به مرد تحول و تبدیل یافته و جنسیت جدیدی را که مرد قصد احراز آن را داشته به‌درستی محقق و مسلم گشته است و حقیقتاً فرد به‌صورت فردی از جنسیت مخالف درآمده باشد. در این صورت باید گفت که از همان زمان و لحظه‌ای که جنسیت جدید فرد احراز شده و عرفه شخص به‌عنوان فردی از جنس جدید شناخته می‌شود حکم دیه او نیز به تابع اسم و عنوان جدیدی است که فرد به آن صورت شناخته می‌شود. میزان دیه شخص بر اساس جنسیت جدید محاسبه می‌شود. در این خصوص اگر از زمان وقوع حادثه تا زمان مطالبه دیه شخصی با رعایت تمام استانداردهای پزشکی و تأییدیه متخصصین تغییر جنسیت دهد دیه او بر اساس جنسیت جدید زمان مطالبه او محاسبه خواهد شد. اگر مصدوم فوت کرده باشد و وراثت خواهان دیه او باشند، محاسبه دیه بر مبنای جنسیت زمان فوت محاسبه می‌شود. در خصوص میزان دیه تغییر جنسیت داده نیز از قوانین مورد اتفاق بین فقهای شیعه و اهل

شیعه و فقهای اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد. صاحب جواهر می‌گوید: «اشکال و اختلافی نه در نص و نه در فتوا بر نصف بودن دیه زن نسبت به مرد وجود ندارد. اجماع بر این امر قائم است و اخبار مستفیض و یا متواتر نیز در این باب وجود دارد بلکه مسلمین بر این امر متفق‌اند. فقط از دو نفر به نام‌های ابن علیّه و اصم نقل شده است که گفته‌اند دیه زن مثل دیه مرد است» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲/۴۳). فقهای اهل سنت نیز عموماً همین نظر را دارند (عوده، ۱۴۰۵: ۱/۴۶۹). از دیدگاه آنها دیه زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان است و اهل علم بر این امر اتفاق دارند فقط از ابن علیّه و ابوبکر اصم نقل شده که گفته‌اند دیه زن مثل دیه مرد است. زیرا پیامبر (ص) به‌طور مطلق فرمود دیه نفس مؤمن صد شتر است. ابن قدامه می‌گوید ولی این قول شاذی است که مغایر اجماع صحابه و سنت پیامبر (ص) است (ابن قدامه، ۱۴۰۱: ۷/۷۹۷).

در خصوص دیه عضو باید گفت که چنانچه فرد ترنس در نتیجه عمل جراحی به مرد تبدیل شود، قوانین حاکم بر دیه مردان بر وی حاکم خواهد بود و چنانچه به زن تبدیل شود، قوانین دیه اعضاء زنان بر وی حکم فرما می‌شود. محقق حلی در شرایط می‌فرماید: «اعضای مرد در مقابل اعضای زن، بدون پرداخت مابه‌التفاوت، قصاص می‌شود. دیه آن‌ها نیز تا به ثلث نرسیده، مساوی است. هرگاه به ثلث برسد، به نصف بازمی‌گردد و در این صورت قصاص اعضای مرد در مقابل زن با پرداخت مابه‌التفاوت خواهد بود» (محقق حلی، ۱۴۱۰: ۲۵/۴۰۸).

۴- اثر تغییر جنسیت بر مسؤولیت عاقله

در حقوق کیفری اسلام قاعده‌ای وجود دارد مبنی بر این‌که هرگاه جنایت خطای محض یا در برخی موارد در حکم خطای محض صورت گیرد، باوجود شرایطی عاقله مرتکب مسؤول پرداخت دیه است که از آن با عنوان ضمان عاقله یاد می‌شود. مسؤولیت عاقله که از آن با عنوان «ضمان عاقله» در پرداخت دیه یاد می‌شود، بر اساس حکم مشهور فقها در چندین ماده از قانون مجازات اسلامی منعکس شده و مورد اشاره قرار گرفته است. کسی که تغییر جنسیت می‌دهد بعد از آنکه به جنسیت

- آریان پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۸). فرهنگ یک‌جلدی آریان پور- انگلیسی- فارسی. چاپ هشتم، تهران: انتشارات جهان رایانه.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴). ترمینولوژی حقوق. چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- حر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. جلد بیست و نهم، قم: دارالاحیاء التراث العربی.

- خرازی، سید محسن (۱۳۷۹). «تغییر جنسیت». فصلنامه فقه اهل بیت، ۳۳: ۱۰۴-۱۴۷.

- دژکام، محمدرضا (۱۳۸۴). روانشناسی اختلال‌های جنسی. چاپ دوم، تهران: نشر منشأ دانش.

- سادوک، بنجامین جیمز و سادوک، ویرجینیا (۱۳۸۶). خلاصه روان‌پزشکی و علوم رفتاری. چاپ پنجم، تهران: نشر ارجمند.

- صفری، محسن و امیر شاه کرمی، سید مهرداد (۱۳۹۵). «بررسی حقوق اجتماعی افراد تراجنسیتی، از نگاه اسناد بین‌المللی، نظام حقوقی کامن‌لا و حقوق داخلی ایران». مجله مطالعات حقوق عمومی، ۲: ۳۷۵-۳۹۲.

- عوده، عبدالقادر (۱۴۰۵). التشریح الجنائی الاسلامی. جلد اول، بیروت: انتشارات دارالاحیاء.

- غوری الشرتونی، سعید (۱۳۷۵). اقرب الموارد. جلد دوم، قم: چاپخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۲۱). فقه الشریعه. جلد سوم، بیروت: دارالملاک.

سنت، مقدار دیه مرد و زن است؛ به‌گونه‌ای که دیدگاه غالب فقهای شیعه و اهل سنت بر این موضوع دلالت دارد که دیه کامل تعیین شده در فقه جزایی اسلام برای نفس مرد است و دیه نفس زن نصف آن است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابن قدامه، عبدالله (۱۴۰۱). المغنی علی المختصر. جلد هفتم، قم: دارالکتاب العربی.

- ابن قدامه، محمد بن أحمد (۱۴۱۴). المغنی و یلبه الشرح الکبیر. جلد دهم، بیروت: کتار العربی.

- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین (۱۴۱۰). لسان العرب. جلد پنجم، بیروت: دارالتراث.

- افقه، آلسادات و بشیری، دکتر تهمورث (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر تغییر جنسیت در جرایم مربوط به خانواده در ایران». مجله خانواده پژوهی، ۱(۱): ۱۱۵-۱۲۱.

- اوحدی، بهنام (۱۳۸۵). تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی انسان. چاپ نهم، تهران: انتشارات صادق هدایت.

- کاهانی، علیرضا (۱۳۸۶). *اختلال هویت جنسی (دگر جنسیت جوها)*. چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاد.
- کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۸۹). *تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق*. چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۱۰). *شرايع الاسلام*. جلد بیست و پنجم، قم: انتشارات استقلال.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰). *سلسله ینابیع الفقهیه*. جلد اول، بیروت: الدار الاسلامیه موسسه فقه شیعه.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۶). «بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر امام خمینی». *پژوهشنامه متین*، ۳۶: ۲۱-۳۵.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). *تحریر الوسيله*. جلد دوم، تهران: مکتب علمی اسلامی.
- میرجلالی، بهرام (۱۳۸۰). «بیماری روان دگر جنسی را بهتر بشناسیم». *نشریه معرفت*، ۲۴: ۱۵-۲۷.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد چهل و سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نیک‌خو، محمدرضا (۱۳۸۷). *زندگی جنسی مردان*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سخن.

